

## رفتار پزشکان از دیدگاه رهاوی در کتاب ادب الطیب

ثریا فرجی<sup>۱</sup>، سیدمحسن سیدی<sup>۲</sup>، مجید خلیلی<sup>۳</sup>، مهران سیف فرشد<sup>۴\*</sup>

تاریخ دریافت: 98/7/13

تاریخ پذیرش: 98/11/22

تاریخ انتشار: 98/12/26

### مقاله‌ی مروری

#### چکیده

در سراسر تاریخ پزشکی، نگارش رساله و کتاب‌های اخلاقی، در کنار علم‌آموزی، به‌عنوان یکی از مباحث مهم مطرح بوده و در قرون طلایی علوم در اسلام نیز، رواج داشته است. دانشمندان این دوره، از بیان نکات اخلاقی که رعایت آن در پزشکی ضروری می‌نمود، غافل نبودند. مقاله‌ی حاضر درباره‌ی رفتار و اخلاق پزشکان از دیدگاه دانشمند برجسته‌ی دوره‌ی اسلامی، اسحاق‌بن‌علی رهاوی و مؤلف نخستین اثر مستقل در این زمینه، *ادب الطیب* است. هدف از این مطالعه، تحلیل و بررسی رفتار و اخلاق پزشکان در این کتاب ارزشمند است. در این مطالعه، به دلیل حجم گسترده و جامعیت کتاب یادشده که شاید بتوان آن را دایرةالمعارف اخلاق پزشکی نامید، تنها چند جستار، مانند مختصری از زندگی و تبار رهاوی، ضرورت و مفهوم ادب، رفتار و تعهد پزشکان به خود، بیماران و جامعه و همچنین، رفتار پرستاران، عیادت‌کنندگان و نکاتی درباره‌ی چگونگی آزمون و آموزش پزشکی و داروسازی بررسی شده است. رهاوی، نخستین شرط طبابت را ایمان و اعتقاد راستین به خداوند دانسته و پزشکان را نگرهبانان جسم و تن معرفی می‌کند. حفظ تعهد به آموزش پزشکی، نقش پرستاران و داروسازان در روند درمان، مهارت‌های ارتباطی پزشک و توصیه به آموختن سایر علوم، همچون فلسفه و از همه مهم‌تر، رابطه‌ی محکم بین جسم و روح، از نقاط قوت *ادب الطیب* است که رهاوی با بیان این نکات، خواستار بهبود کیفیت خدمات پزشکی در جامعه بوده است.

**واژگان کلیدی:** اخلاق و رفتار پزشکان، تعهد حرفه‌ای، رهاوی، کتاب *ادب الطیب*

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ پزشکی، دانشکده‌ی طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

2. دکترای تخصصی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

3. دکترای تخصصی تاریخ علوم پزشکی، مرکز تحقیقات تنفس و خواب راحت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

4. دکترای تخصصی اخلاق پزشکی، استادیار، گروه آموزشی علوم پایه، دانشکده‌ی پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

\* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: تبریز، خیابان دانشگاه، مرکز تحقیق و توسعه دانشگاه، مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش پزشکی،

تلفن: ؟؟؟؟، Email: [seiffarshadm@tbzmed.ac.ir](mailto:seiffarshadm@tbzmed.ac.ir)

## مقدمه

اخلاق پزشکی، آن‌گونه که از نام آن برمی‌آید، از اخلاق و رفتار مردمی سخن می‌گوید که شغل پزشکی را اختیار کرده‌اند (۱). یکی از بخش‌های اساسی و اثرگذار در مباحث اخلاق پزشکی که در فرهنگ اسلامی ایرانی با دیگر کشورها متفاوت است، فلسفه‌ی اخلاق پزشکی است (۲)؛ چراکه اخلاق حرفه‌ای، به‌عنوان شاخه‌ای از فلسفه‌ی کاربردی تعریف شده است که به‌گونه‌ای ذاتی، به اخلاق عمومی پیوند می‌یابد؛ زیرا تعریف صحیح و غلط و مجموعه‌ای از خوب و بد رفتارها را در شرایطی خاص تعریف می‌کند (۳). پیشینه‌ی علم اخلاق در دنیا، به بیش از ۲۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. در آن دوران، به دلیل گسترده‌نبودن علوم، پزشکان، معمولاً، دیگر علوم و حکمت‌ها مانند فلسفه را نیز فرامی‌گرفتند؛ از این رو، پیشینه‌ی اخلاق پزشکی با فلسفه، در قرون قبل، پیوند خورده است (۲). در همان دوران است که بقراط، سوگندنامه‌ی معروف خود را تنظیم کرد که می‌توان وی را نخستین فردی دانست که مبانی اخلاقی را با طبابت درآمیخته است (۲)؛ همچنین، آموزه‌های توحیدی از اثرگذارترین آموزه‌ها در حیطه‌ی اخلاق پزشکی بوده‌اند.

بررسی رفتار و اخلاق طبیبان و ارتباط آن‌ها با بیماران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به تاریخ پزشکی، پیشینه‌ای دراز در جهان دارد. به استناد متون طبی به‌جای‌مانده، حتی در دوره‌ی شکوفایی نهضت ترجمه و تألیف آثار طبی نیز، پزشکان مسلمان از تألیف کتب اخلاقی و توجه به اخلاق پزشکی غافل نبودند. این مسأله نشان‌دهنده‌ی تعهد آنان به حرفه‌ی پزشکی است؛ زیرا اخلاق پزشکی، علاوه بر آنکه مسائلی فراتر از اخلاق عمومی را مد نظر قرار می‌دهد، سبب استواری طب بر محور اخلاق و پایه‌های آن می‌شود و نظام سلامت را از هرگونه خطا و لغزشی، مصون می‌دارد (۴). اصول اخلاقی در حرفه‌ی طبابت، حفظ منافع بیمار را نخستین

و مهم‌ترین دغدغه‌ی خود می‌داند، بی‌شک اخلاق و رفتار پزشکان، نقشی مهم در روند بهبود بیماران ایفا می‌کند (۵). به نظر می‌رسد در گذشته، اخلاق پزشکی بخش جدانشدنی علوم پزشکی به شمار می‌آمده است؛ زیرا پیشرفت‌های علمی، زمانی برای نوع بشر مفید خواهد بود که از پشتوانه‌ی اخلاقی برخوردار باشد (۲)؛ باین‌همه، سخن از اخلاق طبیب گفتن، بدون برخوردارگی وی از صلاحیت علمی و عملی لازم، بیهوده است؛ زیرا از گذشته‌های دور، عموماً، چنان توقع داشتند که پزشک باید مردی با فضیلت و تقوا باشد که هر دو حسن ذکاوت علمی و صفات اخلاقی را داشته و قدرت عقلانی او هرگز سبب آن نشده باشد که از اعتقاد دینی او چیزی بکاهد (۶). توجه حکمای گذشته به پدیده‌ی اخلاق، حکایت از آن داشت که آنان دریافته بودند که راهیابی به هنر معالجه، علاوه بر مهارت در درمان، نیازمند مجهزبودن پزشک به برخی صفات اخلاقی هم هست تا اعتماد جامعه و بیماران را جلب کند. امروزه اما، به دلیل گسترش شهرنشینی، توسعه‌ی فناوری‌های پزشکی و پیچیدگی‌های اجتماعی، موضوع اخلاق پزشکی با چالش‌ها و بحران‌هایی فراوان روبه‌روست که هر جامعه‌ای باید به تناسب فرهنگ و هنجارهای خود، درصدد چاره‌جویی برای رفع آن‌ها برآید (۷). امروزه، عواملی مانند شتاب‌زدگی، سهل‌انگاری، سعی در تجویز داروهای غیرضروری و... که مغایر با اخلاق و شئون پزشکی‌اند، سبب تشکیل کمیته‌های اخلاق پزشکی در سطح جهان شده است. شاید گسترش فرهنگ و تمدن و پیچیدگی زندگی شهری، نیاز بشر را به فراهم‌آمده‌های اخلاقی، آشکارتر ساخته است (۸). پهنه‌ی تاریخ پزشکی، به‌عنوان یک حرفه نیز، از این امر مستثنا نبوده است و اندیشمندان این عرصه، هیچ‌گاه، از پافشاری بر لزوم و بایستگی اخلاق که تمدن بر پایه‌ی آن، شکوفایی، بلندی و بالندگی می‌گیرد، غفلت نورزیده‌اند (۸)؛ از این رو، انتظار می‌رود دانشمندان دوره‌ی اسلامی، مانند

ادب الطیب رهاوی، کتاب‌ها و مقالاتی گوناگون در زمینه‌ی اخلاق و تاریخ پزشکی ایران و اسلام و همچنین، با مراجعه به مقالات منتشرشده در مجلات معتبر علمی، از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و موتورهای جست‌وجوی اینترنتی، مانند Google Scholar، گردآوری و تدوین شده است. در جست‌وجوی اینترنتی، از کلیدواژه‌های «اخلاق پزشکی»، «ادب الطیب»، «رهاوی» و معادل لاتین آن‌ها استفاده شده است.

### ملاحظات اخلاقی

در انجام مراحل تحقیق، ملاحظات اخلاقی مرتبط با مطالعات کتابخانه‌ای، از جمله اصول صداقت و امانت‌داری در استناد به متون و منابع و همچنین، انتشار نتایج رعایت شده است.

### یافته‌ها و بحث

#### زندگی و تبار مذهبی رهاوی

رهاوی، در نیمه‌ی سده‌ی سوم هجری، در «رها» که در آن زمان، بخشی از خلافت اسلامی بوده و امروزه، تقریباً، شمال غربی عراق است، می‌زیست (۱۰). در آثار پیشینیان، درباره‌ی رهاوی، دانستنی‌هایی بسیار محدود به چشم می‌خورد و آنچه از آن منابع به دست می‌آید، منحصر به خود کتاب ادب الطیب و نیز، توصیفی گزیده است که ابوالعباس بن ابی‌اصیبعه (متوفی ۶۶۸ق) درباره‌ی او آورده است. ابن‌ابی‌اصیبعه، وی را طبیعی دانشمند و آگاه به نظرات جالینوس می‌داند و از کتاب ادب الطیب و چند اثر دیگر وی نام می‌برد (۱۱). در خصوص زمان تولد و درگذشت رهاوی، هیچ گزاره‌ی قطعی و دقیقی در متون پیشینیان و حتی ادب الطیب، دیده نمی‌شود؛ با این‌همه، به کمک برخی قرائن، می‌توان دوره‌ی تقریبی زندگی وی را مشخص کرد؛ از آن جمله، کمال‌الدین عمر بن‌العَدیم (متوفی ۶۶۰ق)، در کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب تصریح می‌کند که رهاوی در سال

رهاوی، رازی، ابن‌سینا و دیگران، در این عرصه پیشتاز باشند. یکی از پزشکان برجسته در عرصه‌ی دانش و اخلاق پزشکی، اسحاق بن‌علی رهاوی است که در سده‌ی سوم هجری، کتاب ادب الطیب، نخستین اثر به‌جامانده درباره‌ی اخلاق کاربردی پزشکان را تألیف کرد. این کتاب شامل دو بخش و در بیست فصل تدوین شده است. نویسنده در این اثر، به طب نظری و عملی پرداخته و سپس با بررسی و نقل نظرات فلاسفه‌ی یونان و روم، به‌ویژه جالینوس و بیان حکایاتی از آنچه دیده و شنیده، کتابی جامع پیش روی پزشکان و علاقه‌مندان قرار داده است. از ادب الطیب، نسخه‌های فراوانی در دسترس نیست و تنها نسخه‌ی خطی باقی‌مانده از این اثر، در کتابخانه‌ی «سلیمیه» در ترکیه نگهداری می‌شود (۹). با نگرش به این کتاب، درمی‌یابیم که رهاوی در سراسر کتاب خود، به لزوم پیوند درونی میان طب روحی و جسمی پافشاری می‌کند و بر اساس شرافت و قداست علم پزشکی، بر ایمان و اعتقاد و دین‌داری پزشکان تأکید و ابرام می‌ورزد (۹). وی، همچنین، تنها به ذکر آداب و اخلاق پزشکان نپرداخته، بلکه وظایف و رفتار بیماران، پرستاران، عیادت‌کنندگان و سایر حرف وابسته به پزشکی که در آن زمان وجود داشته، مانند داروسازی و جراحی و... و نیز، لزوم آموزش و نحوه‌ی آزمون پزشکان را یادآور شده است. ادب الطیب و نویسنده‌ی آن، به رغم تألیف چنین اثر ارزشمندی، آن‌گونه که باید شناخته نشده‌اند. مطالعاتی پرشمار درباره‌ی اخلاق پزشکی در آثار بقراط، جالینوس و رازی انجام شده است؛ اما به این اثر اخلاق پزشکی رهاوی، کمتر پرداخته شده است؛ از این‌رو، در این پژوهش، تحلیل و بررسی آرا و نظرات درباره‌ی اخلاق و رفتار پزشکی در یکی از آثار نفیس دوره‌ی اسلامی، ادب الطیب و نیز، مختصری از زندگی و تبار مذهبی رهاوی بررسی می‌شود.

### روش کار

داده‌های این مقاله، از متون موجود عربی و فارسی کتاب

است (۱۸).

#### کتاب ادب الطیب

ادب الطیب، مهم‌ترین و تنها اثر باقی‌مانده از رهاوی است؛ اما غیر از این، سزگین چند اثر دیگر نیز از او نام می‌برد:

- کُنَاشی که از ده مقاله‌ی جالینوس فراهم آورده و به المیامر فی ترکیب الادویه بحسب الامراض من الرأس الی القدم مشهور است. این کتاب درباره‌ی داروهای ترکیبی است که برحسب بیماری‌های سرتاپا تنظیم شده است.

- جوامع گردآمده از چهار کتاب: اول جوامع الاسکندرانیین جالینوس<sup>۲</sup>.

- کیف ینبغی أن یمتحن الطیب. رهاوی خود در ادب الطیب، به این کتاب اشاره کرده است.

- المدخل الی علم الجدل. به این کتاب هم در ادب الطیب اشاره شده است.

آگاهی ما از ادب الطیب نیز، مرهون تنها نسخه‌ی موجود در کتابخانه‌ی سلیمیه در ترکیه به شماره‌ی ۱۹۵۸ است و شامل ۱۱۲ برگ و هر برگ هفده سطر است و به سبک نسخ خوب، نگارش یافته است<sup>۳</sup>. کاتب این کتاب، عبدالله‌بن‌المکین است که آن را در سال ۷۴۷ق کتابت کرده است. ادب الطیب، در دو مقاله و مجموعاً، بیست باب تدوین شده است؛ مقاله‌ی نخست، از باب یکم تا هفتم و مقاله‌ی دوم، از باب هشتم تا بیستم است (۹).

ترتیب فصل‌بندی، آوردن حکایات و از همه مهم‌تر، ارجاع منبع در پایان مباحث مختلف، برای پزشکان و مخاطبی که به درک بیشتر مفاهیم علاقه دارد، بیانگر تبحر او در نویسندگی

2. این چهار رساله عبارت اند از: الفرق، صناعة الصغیره، النبض الصغیر و جالینوس الی اغلوقتن.

3. یوسف بیگ باباپور، در مقاله‌اش چنین استدلال کرده است که مکتوب عبدالله‌بن‌مکین، به سلطان بایزید عثمانی اهدا شده است؛ در حالی‌که، سلطان بایزید اول عثمانی، در سال 762ق، متولد و کتابت نسخه‌ی مذکور از ادب الطیب، در سال 748ق کامل شده است.

۲۸۷ق به حلب سفر و در کتابش، درباره‌ی مشاهدات خود از این شهر، نکاتی را بازگو کرده است (۱۲). غیر از این، در کتاب ادب الطیب و عیون الانباء، به نقل‌قول‌هایی فراوان از عیسی‌بن‌ماسه برمی‌خوریم. این گزاره را شهاب‌الدین‌احمدبن یحیی القرشی العدوی العمری (متوفی ۷۴۹ق)، در کتابش مسالک الابصار فی ممالک الامصار تأیید کرده و از ارتباط رهاوی با ابن‌ماسه و معاصر بودن وی با یوحنا بن‌ماسویه (متوفی ۲۴۳ق) و خلیفه‌الوائق‌بالله عباسی (۲۰ تا ۲۳۲ق) و... سخنانی نقل می‌کند که می‌توان از قرائن تاریخ زندگی رهاوی به شمار آورد (۱۳).

مصححان متن عربی ادب الطیب نیز، با استناد به یادکرد ابن‌ماسه و ابن‌ماسویه، به‌عنوان معاصران رهاوی، وی را از طبیبان سده‌ی سوم هجری دانسته؛ اما درباره‌ی تاریخ تولد یا درگذشت وی، زمانی مشخصی را بیان نکرده‌اند (۱۴).

از دیگر موضوعات بحث‌انگیز درباره‌ی رهاوی، تبار مذهبی اوست. فواد سزگین، درباره‌ی مسیحی یا یهودی بودن او تردید کرده است: «ولایمکن الجزم فیما اذا کان الرهاوی [کذا] نصرانیاً أو یهودیا» (۱۵). برخی نیز، همچون محمدکامل جاد، وی را صراحتاً، یهودی دانسته‌اند که بعدها اسلام آورده است (۱۶). آکسوی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نیز، در مقاله‌ای که به این موضوع پرداخته، وی را پزشک مسلمان و روشنفکری دانسته که تنها دغدغه‌ی سلامتی و سودرسانی به بیماران و مردم را داشته است، صرف‌نظر از آنچه که در اسلام، مجاز یا ممنوع بوده است (۱۷)؛ اما بیشتر محققان و نیز مصححان ادب الطیب، رهاوی را از نصرانیان نسطوری دانسته‌اند که تحت تأثیر محیط اسلامی‌عربی، رساله‌اش را که ترکیبی است از سخنان حکمای یونان و روم، به‌ویژه جالینوس، با سنت ابراهیمی و فرهنگ اسلامی، نگاشته است؛ زیرا کتاب با بسم الله آغاز می‌شود و سپس، بیان می‌کند که ایمان به یک خالق و اعتقاد به خدا و فرستادگان او، از پیش‌نیازهای طبابت پزشک

و تکریم آن بکوشند. همین دیدگاه است که سبب می‌شود رهاوی به کوچک‌ترین مسائل مرتبط با طب، توجه نماید؛ از رسیدگی به وضع ظاهر و نیکویی لباس و مسکن طبیب تا اموری که به حفظ سلامت مردم و جامعه می‌انجامد. او این جایگاه خطیر را پیوسته، به یاد پزشکان می‌آورد و انذار می‌دهد که همواره، حقوق بیمار و پرستاران و هرکه را متولی امور بیمار است، در نظر داشته باشند (۱۴).

کتاب *ادب الطیب*، در طول تاریخ، به‌عنوان اثری تاریخی در موضوع اخلاق پزشکی، اشتهار یافته است؛ اما در حقیقت، بخش عمده‌ی مطالب این کتاب، به آموزش دانش طب اختصاص دارد و رهاوی به بیان مطالب پایه‌ای و کاربردی طبی، با زبانی ساده، پرداخته است (۲۱).

#### ضرورت تدوین *ادب الطیب* و مفهوم ادب

رهاوی، در مقدمه‌ی *ادب الطیب*، تدوین کتاب را از آن رو بایسته می‌داند که برخی از طبیبان هم‌روزگارش، به سبب کم‌دانشی و نداشتن تجربه‌ی کافی، از درک اهمیت دانش طب و اصول حرفه‌ای آن و شناختن مسائل دقیق در این حوزه غفلت می‌ورزند و این ناآگاهی و غفلت، چه‌بسا که به اموری فاسد و مشکوک بینجامد که سلامت و نیکی حرفه‌ی طبابت را مخدوش کند؛ به همین دلیل، رهاوی وظیفه‌ی خود دانسته است که آنچه را از آداب مرتبط با طبیبان لازم دانسته، جمع‌آوری کند تا سبب پرورش فکر و گسترش اخلاق نیکو، چنان‌که سزاوار طبیبان فاضل است، در میان هم‌صنفانش شود (۱۴).

واژه‌ی «ادب»، در عنوان کتاب، اشاره و تأکیدی است بر مفهوم رفتار پسندیده و کردار نیکو و شایسته که از طبیب انتظار می‌رود داشته باشد. این مفهوم بر این امر دلالت دارد که اخلاق پزشکی، تنها، منحصر به امور نظری نیست؛ بلکه باید در رفتار و اعمال طبیب نیز نمایان شود (۱۴).

از متن کتاب پیداست که نویسنده، آن را به درخواست

است. برخی محققان اثر وی را به‌صورت مجموعه‌ای از ترکیب سنت فلسفی یونان باستان با فرهنگ اسلامی دانسته‌اند که در آن دوره، به‌صورت یک پارادایم مطرح بوده است (۱۸)؛ اما *ادب الطیب*، دارای وحدت و انسجام و دربرگیرنده‌ی همه موضوعات مربوط به رفتار و اخلاق پزشکان است.

رهاوی در این کتاب، تنها، به تعریف و تمجید از پزشکان نپرداخته است؛ بلکه در بسیاری مواقع، به آسیب‌شناسی این حرفه و ذکر جاهلان و نیرنگ‌بازان که وارد این حوزه شده و سبب بدنامی پزشکان شده‌اند نیز، پرداخته است؛ برای نمونه، او بی‌توجهی پزشکان به آگاهی و اطمینان از شعور بیمار و پرستار و نبود مطالعه‌ی کافی در حرفه‌ی پزشکی را از آسیب‌های این حرفه می‌داند (۱۹).

او در فصل دوم کتاب که طولانی‌ترین بخش و درباره‌ی وظایف الاعضا (فیزیولوژی) است، به مسائل کلی طب پرداخته و مطالبی سودمند برای پزشکان ذکر کرده است. او، برای نخستین بار، از دیدگاه فیزیولوژی، گوش<sup>۱</sup> (حس شنیداری) و قلب را از ارگان‌هایی دانسته که در اصلاح نفس و اخلاق تأثیری بسزا دارند و در این باره، به شنیدن آنچه که نفوس را شاد و متعادل می‌سازد، توصیه کرده و شناخت تغذیه‌ی موافق با سلامت قلب را ضروری دانسته است.

وی اشاره می‌کند که اصلاح جسم و مزاج بدن، تأثیری بسیار در نفس و تعدیل اخلاق دارد؛ بنابراین، در کتابش ذکر می‌کند که شناخت علومی مانند روان‌شناسی و مطالعه‌ی آثار حکمای قدیم یونان، به‌ویژه جالینوس، از نکاتی است که پزشک، همواره، باید بدان اهمیت دهد تا بدین‌وسیله، بتواند در امر درمان و ارتباط با بیمار موفق عمل کند (۱۹).

رهاوی، پزشکی موحد است و طب را بزرگ‌ترین موهبت خداوند به افرادی برگزیده از جامعه‌ی انسانی می‌داند که باید برخورداران از این نعمت (طبیبان)، به بهترین گونه، در حفظ

1. آدمی فریه شود از راه گوش / جانور فریه شود از راه نوش (20)

یکی از دوستانش که پزشکی طبایعی<sup>۱</sup> بوده و در اواخر عمر، نوشته است.

در زبان عربی، واژه‌ی ادب معانی مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ مانند فضیلت، رفتار اخلاقی و آداب معاشرت. معمولاً، در فرهنگ عربی ادب از ریشه اَدَب گرفته شده که به عنوان فضایل و دعوت مردم به چیزهای خوب مفهوم سازی می‌شود بنابر این ادب شامل سبکی گسترده از ادبیات، مانند سنت و فضیلت ارسطویی نیز می‌شود. در این قسمت، این واژه را منحصرأً، از دیدگاه متفکر و فیلسوف نامور، ابوحامد غزالی، بیان می‌کنیم. او ادب را به‌عنوان راهی برای تصفیه‌ی درونی و رسیدن به کمال معنوی می‌داند که وقتی در درون انسان جای گیرد و توأم با عمل به شریعت باشد، می‌تواند باعث سعادت و رستگاری انسان‌ها شود. او، همچنین، بر ارزش ادب در تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند؛ چراکه بازتاب روابط معنوی انسان با خداست. غزالی، شریعت و ادب را به اخلاق اسلامی پیوند می‌دهد و بیان می‌کند که عمل به شریعت و رفتار بر بنیاد فضیلت و دانش، برای نجات روح ضروری است و از این ارتباط برای ارائه‌ی همه‌جانبه‌ی اخلاق پزشکی اسلامی استفاده می‌کند (۱۸).

رهاوی، نه‌تنها از دقت نظر در امور و عوامل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در امر درمان غفلت نمی‌کند، بلکه می‌کوشد با توجه به این عوامل، رهنمودهایی را به طبیبان ارائه دهد که پیامد آن، تسهیل شناخت بیماری و درمان بیماران است. او با توجه به آموزه‌های جالینوس، به تربیت اخلاق فردی طبیبان نیز توجه دارد و دوری از رذایل اخلاقی را جزء بایسته‌های اخلاقی طبیبان می‌داند (۱۴).

رهاوی، آن‌گونه که در باب چهارم تصریح می‌کند، بهترین طبیبان را افرادی می‌داند که از روند بیماری و سرانجام بیمار، پیش‌آگاهی داشته (تقدمه‌ المعرفة) و آماده‌ی رویارویی با

پیشامدهای مختلف باشند. او، همچنین، دانستن علومی را که سبب پیشبرد امر درمان می‌شود، برای طبیب ضروری می‌داند (۱۴).

آن‌گونه که در پیش‌گذشت، ادب الطیب، با وجود اشتها به اینکه درباره‌ی اخلاق پزشکی است، بخش بزرگ آن به آموزش طب اختصاص دارد. برای پرهیز از به‌درازا کشیدن بحث، رویکرد اخلاقی رهاوی را فهرست‌وار در سه محور بیان می‌کنیم:

رفتار و تعهد پزشکان نسبت به خود

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، بسیاری از پزشکان دوره‌ی اسلامی، از جمله رهاوی، به‌عنوان پزشکی متعهد، از کوچک‌ترین مسائل مربوط به پزشکان که می‌توانسته در امر درمان و سودرسانی به بیماران مؤثر باشد، غافل نبوده و به نکاتی اشاره کرده است. از رسیدگی به وضع ظاهر، تغذیه، خواب، اعتقادات و ارتباط با دیگران گرفته تا تخصص و علومی که پزشک باید آن را فرا گیرد. برخی از این نکات عبارت‌اند از:

- توجه به قدرت لایزال الهی و بیم از خداوند، به‌عنوان شرط اصلی طبابت.

- توأم‌بودن علم‌آموزی با اصلاح نفس.

- مطالعه‌ی مستمر کتب دینی که به اصلاح اخلاق طبیب می‌انجامد و او را به کارهای نیک، تشویق می‌کند.

- لزوم آگاهی طبیبان بر قوانین نوعیه؛ یعنی طبیب باید آگاهی جامعی بر انواع مزاج‌ها و شرایط صحت یا عدم صحت هر یک از اشخاص صاحب مزاج داشته باشد و علامات مختص آن و تدابیر موافق آن را بداند تا در شرایط مشابه، بتواند نظراتی صحیح درباره‌ی هر بیماری بیان کند.

- هم‌نشینی طبیب با اشخاص فاضل و نیکوسیرت تا سبب کسب فضایل شود و به اصلاح نفس وی منجر گردد.

- پرهیز طبیب از تجارت و سوداگری تا سبب نشود از راه علم‌اندوزی باز ماند.

۱. پزشک طبایعی، پزشک عمومی است که با دستور شفاهی‌اش پزشکی می‌ورزد. (۲۲)

- آرام و آهسته سخن گفتن طبیب در مواجهه با بیمار، تا سبب آرامش و جلب اعتماد وی شود.
- پرهیز از چشم‌داشت به ثروت بیمار یا موقعیت اجتماعی و شغلی او.
- پرهیز از تجویز داروهای گشنده و سقط جنین.
- پرهیز از تجویز مسهلات قوی برای بیمار، مگر در زمان ضرورت.
- لزوم توجه دقیق به پرسش و پیش‌آگاهی از وضعیت بیمار.
- پزشک باید، همواره، در طول درمان، از حال بیمار خبر بگیرد و شرح حال وی را در نظر داشته باشد، تا نکته‌ای از چشم او دور نماند.
- آگاهی پزشک از درک شناختی بیمار (صحت عقلی بیمار).
- لزوم توجه دقیق به سخنان اطرافیان بیمار و اظهارات پرستار، برای رسیدن به تشخیص درست بیماری.
- امیدواری و روحیه دادن پزشک و پرستار و اطرافیان به بیمار، هر چند به بهبودی امید نباشد.
- شایسته‌ی یادآوری است که رازی نیز که تقریباً، معاصر رهاوی است، در امر درمان، هرگز، روحیه‌اش را در وضعیت مطلوب برای شفای کامل از دست نداده و حتی درباره‌ی بیماری‌هایی که دیگر پزشکان از آنها قطع امید کرده‌اند، همیشه از علاج صحبت می‌کند. (۲۴)
- رفتار و تعهد پزشکان نسبت به جامعه
- چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، پزشکان دوره‌ی اسلامی اعتقاد داشتند که طبیب باید در جامعه حضور داشته، با دردهای بیماران آشنا و خواهان اصلاح جامعه از نیرنگ طبیب‌نمایان باشد. به‌علاوه، پزشکی مانند رهاوی، به موقعیت شغلی، شهر و مسکن بیمار هم در امر درمان اشاره کرده است:
- رعایت اصل سودرسانی در حرفه‌ی پزشکی؛
- لزوم رعایت امور آزموده‌شده در حرفه‌ی پزشکی؛

- لزوم داشتن سعه‌ی صدر و روحیه‌ی آرام تا در برابر بیماری‌هایی که از روی جهل یا شدت درد، سخنان ناشایست می‌گویند، تحملی زیاد داشته باشد.
- پزشک باید اهل تسامح و استقامت، دانایی، تواضع، قناعت، قدرشناسی و انعطاف‌پذیری باشد.
- لزوم تخصص و ورزیدگی پزشک که در اعمال یدوای<sup>۱</sup> (تعبیری در پزشکی اسلامی از عمل جراحی که با دستان چابک پزشک و ابزار مناسب انجام می‌گیرد) مانند جراحی‌های خروج سنگ مثانه یا جراحی چشم و... اقدام می‌کند.
- لزوم آموزش دیدن پزشک در علومی مانند فلسفه، جغرافیا، داروسازی، نبض‌شناسی، علم تغذیه، علم النفس (روان‌شناسی).
- ضرورت آگاهی طبیب از صنایع و مشاغل و حرف مردم و بیماران؛ چراکه بر تندرستی و بیماری، اثر می‌گذارد.
- لزوم رعایت بهداشت فردی و پوشیدن لباس‌های مناسب. رهاوی، همچنین، به پزشکان توصیه می‌کند که کمترین زمان را به خواب اختصاص دهند و نخستین عمل پزشک پس از بیداری، باید به دعا و نیایش خداوند و شکر نعمت‌های او باشد؛ از این رو شایسته هست که پزشک خود رابه فرهنگ و دانش و مهارتی که در حرفه پزشکی بدو سود می‌رساند، بیاراید (۲۳).
- رفتار و تعهد پزشکان نسبت به بیماران
- در بین پزشکان، معمولاً، پزشکی سرآمد است که علاوه بر مهارت در شناخت و درمان بیماری، مهارت ارتباط و جلب اعتماد بیماران را نیز داشته باشد. در این باره هم، رهاوی نکاتی را بیان کرده است:
- عدم ورود به معالجه‌ی بیمار، مگر آنکه ویژگی‌ها و شرایط بیماری را دقیق بشناسد و بتواند بهترین روش درمانی را به کار گیرد (توجه به عادات بیماران).

## 1. Operative treatment

داروسازان، حجامت‌گران و طبایعی، است که مورد اخیر را رهاوی، مهم‌ترین بخش هنر پزشکی می‌داند (۱۹). با توجه به اینکه در تمدن اسلامی، آموزش پزشکی با سه روش انجام می‌شد و از آنجا که در دوره‌ای که رهاوی در آن می‌زیست، جاهلان و طیب‌نمایانی بودند که لزوم آموزش و آزمون پزشکی را گریزناپذیر کرده بود، گزینش حرفه‌ای دانشجویان طب، امری مهم محسوب می‌شد؛ از این رو، پزشکانی چند، مانند رهاوی، رازی، ابن‌هبل، درباره‌ی شرایط لازم برای دانشجویان سخن رانده‌اند (۲۵)؛ برای نمونه، رهاوی علل برگزاری آزمون پزشکان را سختی و طولانی‌بودن این حرفه، سودرسانی حاصل از این آزمون که نصیب پزشکان و مردم می‌شود و همچنین، رسواکردن کسانی که با حيله‌گری وارد این حرفه شده‌اند، می‌داند (۱۹)؛ بنابراین لازم است نهاد یا افرادی در جامعه، از حرفه‌ی پزشکی که به‌طور مستقیم، با جان افراد سر و کار دارند، نظارت و رسیدگی کند. در تمدن اسلامی، این فرد با نام «محتسب» در جامعه حضور داشت و وظیفه‌ی او حفاظت از اخلاق عمومی در جامعه و نیز حمایت از مسلمانان در برابر تقلب و فریب در حرف و مشاغل مختلف، از جمله امور مربوط به پزشکی بود؛ مثلاً، از چشم‌پزشکان مطابق با کتاب *عُشْرُ مَقَالَاتِ فِي الْعَيْنِ* حنین بن‌اسحاق، امتحان گرفته می‌شد. جراحان هم باید کتاب *قاطاجانس جالینوس* را می‌خواندند و انواع زخم‌ها و مرهم‌ها را می‌شناختند (۲۶). رهاوی از این امر غافل نبوده و وجود برخی آزمون‌ها و دانستن اموری را برای آزمون دانشجوی پزشکی ضروری دانسته است که عبارت‌اند از: خواندن کتاب‌های اسکندرانیان که نخستین آن‌ها *فرق الاطباء جالینوس* است و آگاهی داوطلب پزشکی بر همه‌ی اجزای طبابت، مانند طب عملی (شامل فصد، علم، تشریح، ابزار مورد نیاز جراحی، قرارگیری استخوان‌ها و قوای داروهای مفرد و مرکب) و طب نظری (شامل فلسفه، منطق و هندسه)، به این دلیل که پزشک فاضل، فیلسوف هم باشد؛ همچنین، وی توصیه می‌کند کسانی

- بایستگی پایبندبودن طیب و دانشجوی طب به تعهدات مندرج در عهدنامه‌ی بقراط؛

- لزوم اتخاذ تصمیمات درست و دقیق برای سامان‌دهی امور طبابت، همراه با وضع مقررات و آیین‌نامه‌ی دقیق برای طبیبان، به منظور ارزیابی اعمال آن‌ها.

بایسته‌هایی درباره‌ی پرستاران و اطرافیان و عیادت‌کنندگان

بیمار

- مطلوب‌بودن وضعیت پرستار از لحاظ فرمان‌برداری از طیب و صحت عقلی و روانی او.

- پرستار باید خردمند، مؤدب و عاشق پرستاری و دلسوز برای بیمار باشد.

- لزوم شناخت پرستار از تدابیر غذایی و دارویی بیمار.

- لزوم همکاری میان پزشکان و پرستار، به گونه‌ای که برای بیمار سودمند باشد.

- لزوم وجود زمان کوتاه ملاقات با بیمار و برتن‌داشتن لباس پاکیزه و استعمال عطریات و بوهای خوش برای تقویت روحیه‌ی بیمار.

- پرهیز از عیادت و ملاقات با بیمارانی که وضعیت خاص دارند؛ مانند بیماران وسواسی و مبتلایان به مالیخولیا.

- پرهیز عیادت‌کنندگان از پرسش درباره‌ی جزئیات بیماری یا اخبار ناراحت‌کننده از بیمار.

- پرهیز عیادت‌کنندگان از تجویز خودسرانه‌ی دارو یا غذایی که شنیده‌اند برای بیماری خوب است.

بایسته‌هایی درباره‌ی آزمون پزشکان و داروسازان از

دیدگاه رهاوی

از موضوعاتی که در این مقاله باید بیان شود، تخصصی‌شدن علوم در زمان رهاوی و ایجاد طبقات مختلف پزشکی، مانند چشم‌پزشکان، فصدکنندگان، شکسته‌بندان،

- آگاهی داروساز از علم کشاورزی و باغبانی.  
 - پرهیز پزشک از کاربرد داروهای فاسد و کهنه، به دلیل تحلیل قوای داروها.  
 - لزوم آزمایش داروها و کنترل آن‌ها، قبل از تجویز برای بیمار.  
 - لزوم آگاهی طبیب و داروفروش از خواص دقیق و ویژگی انواع عصاره‌ها و صمغ‌ها؛ چراکه بین این‌ها تشابه‌ای زیاد وجود دارد.  
 - لزوم آگاهی طبیب از شیوه‌ی فراوری و طرز تهیه و نگهداری ترکیبات دارویی؛ زیرا هرگونه سهل‌انگاری در مراحل تهیه‌ی دارو، باعث آسیب به بیمار و اختلال در کار درمان می‌شود.  
 - پرهیز از حذف داروهای گران یا کمیاب، از ترکیبات دارویی؛ زیرا این امر ممکن است سبب آسیب بسیار به بیمار شود، به‌ویژه اگر بخش اصلی داروی مورد نظر باشد.  
 - پرهیز داروفروش از فروش داروهای سقط جنین و انواع سموم و زهرها.  
 همچنین، رازی از نخستین کسانی است که داروسازی را رشته‌ای مستقل از پزشکی، ولی در رابطه با آن می‌داند؛ به همین دلیل، در کتاب *محنة الطیب* سفارش می‌کند: «به نظر من، آزمون پزشک با شناخت داروها باید یک آزمون ساده باشد؛ زیرا این هنر [داروشناسی] به داروساز سزاوارتر است تا به پزشک؛ مگر اینکه شناختش نسبت به داروهای پرکاربرد کم باشد...» (۲۷ و ۳۰).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رهاوی، از جمله پزشکان دوره‌ی اسلامی است که در کتاب خود، *ادب الطیب* که شاید بتوان آن را دایرة‌المعارف اخلاق و رفتار پزشکی دانست، به همه‌ی جوانب اخلاق و آدابی که یک پزشک باید بدان عمل کند، پرداخته است. در این کتاب، نکاتی سودمند بیان شده است؛ از ریزترین مسائل مربوط به پزشکان، بیماران و

که به حرفه‌ی پزشکی وارد می‌شوند، اهل عدالت، احسان و خیر و نیکی هم باشند. رازی هم در *محنة الطیب*، سفارش می‌کند نخستین پرسشی که باید از دانشجوی پزشکی شود، درباره‌ی کالبد و منفعت اندام‌هاست. او، سپس، به آزمونی اشاره می‌کند که درباره‌ی شناخت کتاب‌های گذشتگان است. اگر دانشجوی این مسائل را بداند، بهتر است پرسش‌های دیگر نیز مطرح شود (۲۷).

داروسازان و عطاران نیز، ضوابطی داشتند که بر اساس آن، اجازه‌ی دادوستد می‌یافتند؛ مثلاً، محتسب باید مراقبت و بازرسی کند تا کسانی که خیره و باتجربه و امین و خداترس هستند، دادوستد عقاقیر (گیاهان‌دارویی) و اقسام عطرها را بر عهده گیرند. لوی<sup>۱</sup> نظارت بر این طبقه را هم از وظایف محتسب دانسته که تقلب و حيله‌هایی بسیار، نسبت به سایر طبقات وابسته به پزشکی، در آن رواج داشته است (۲۸).

به نظر می‌رسد رهاوی، به‌عنوان پزشکی موحد، علاوه بر پزشک‌بودن، به امر داروسازی نیز پرداخته و از مسائل مربوط به آن آگاهی داشته است. او فصلی از کتاب خود را به این امر اختصاص داده است؛ زیرا در دوره‌ی رهاوی، خلفای عباسی علاقه داشتند تصدی امور پزشکی و داروسازی را به مسیحیان و یهودیان بسپارند\* (۲۹)؛ از این رو، به نظر می‌رسد رهاوی مدتی نیز، به حرفه‌ی داروسازی مشغول بوده و درباره‌ی اخلاق و رفتار داروسازان که پزشک هم بودند، به نکاتی اشاره کرده که عبارت‌اند از:

- لزوم مهارت‌یافتن پزشک در علم داروسازی و داروشناسی، با حضور عملی پزشک نزد استادان داروساز.

### 1. Levey

\*. مثلاً، در نیمه‌ی قرن سوم، خلفای عباسی، مانند متعمد و متوکل، دستور دادند که یهودیان و مسیحیان، جز در کار صرافیه و پزشکی، استخدام نشوند؛ چراکه تعداد غیرمسلمانان در دستگاه دولت اسلامی افزایش یافته بود و مسلمانان مخالف با تسلط اهل ذمه بر خود بودند.

## جدول شماره ۱- گزیده‌ای از مهم‌ترین توصیه‌ها و اصول

## اخلاق پزشکی در آراء رهاوی

## عمده‌ترین توصیه‌ها و اصول اخلاق پزشکی در آراء رهاوی

- خداترسی، صحت ایمان و اعتقادات دینی، شرط لازم برای طبیب.

- آراستگی ظاهر، خوش‌سخنی و خوش‌محضربودن طبیب.

- پرهیز از داشتن روحیه‌ی سودجویی و مال‌اندوزی و تجارت از طریق طبابت.

- پرهیز از تجویز داروهای کُشنده و سقط جنین.

- لزوم عمل به سوگندنامه‌ی طبی بقراط و در نظر داشتن مفاد آن.

- رعایت اصل سودرسانی در حرفه‌ی پزشکی.

- ممنوعیت از به‌کارگیری موارد یا رفتاری که به حرفه‌ی طب، آسیب بزند.

- پرهیز پزشک از تجویز و به‌کارگیری داروهای کُهنه و فاسد، به دلیل تحلیل قوای داروها.

- لزوم آزمایش داروها و کنترل آن‌ها، قبل از تجویز برای بیمار.

- لزوم مهارت و آگاهی پزشک از داروهایی که تجویز می‌کند. این مهارت را باید در داروخانه‌ها و نزد استادان داروساز کسب کند.

- پرهیز از حذف دارویی‌های گران یا کمیاب، از ترکیبات دارویی؛ زیرا این امر ممکن است سبب آسیب بسیار به بیمار شود؛ به‌ویژه اگر جزء اصلی دارو باشد.

- لزوم توجه دقیق به پرسش و پیش‌آگاهی از وضعیت بیمار.

- طبیب باید همواره، در طول درمان از حال بیمار خبر بگیرد و شرح حال وی را در نظر داشته باشد، تا نکته‌ای از چشم او مغفول نماند.

پرستاران، مانند ویژگی‌های شخصیتی پزشک، تعامل پزشک و بیمار، پرستاران، داروسازان، اطرافیان و عیادت‌کنندگان بیمار تا مسائل مربوط به افراد تندرست، قبل از اینکه به پزشک نیاز پیدا کنند. رهاوی، ضمن تأکید بر مطالعه‌ی آثار گذشتگان و لزوم شناخت طبیب‌نمایان از پزشکان واقعی از طریق آزمون و آموزش پزشکی، خواهان جلوگیری از بدنامی پزشکان و آسیب به بیماران بوده و در سراسر کتاب، بر اعتقاد و توکل به خدا و پیوند میان طب جسمی و روحی، تأکید ورزیده است؛ از این‌رو، دانشمندان دوره‌ی اسلامی، مانند رهاوی، از راه اصلاح و تعدیل جسم و نفس، خواهان بهبود و اصلاح جامعه نیز بودند تا مانع زیان بیماران شوند و به حرفه‌ی پزشکی سود برسانند. جدول شماره‌ی یک، گزیده‌ای از مهم‌ترین توصیه‌ها و اصول اخلاق پزشکی را در آراء رهاوی نشان می‌دهد.

## تشکر و قدردانی

این مطالعه، بخشی از پایان‌نامه دانشجویی است که در دانشکده‌ی طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، به انجام رسیده است. نویسندگان لازم می‌دانند تشکر صمیمانه خود را از مسئولان پژوهشی، مدیر محترم گروه تاریخ علوم پزشکی، جناب آقای دکتر محمدی نسب و سایر همکاران دانشکده طب سنتی تبریز که ما را در انجام پایان‌نامه و بهبود این مقاله یاری رساندند، اعلام نمایند.

اسحاق‌بن‌علی  
الرهاوی

- 1- Nafisi A. [Tarikh-e Akhlag-e Pezeshki]. Isfahan: Isfahan University of Medical Sciences press; 1371. p1. [in Persian]
- 2- Larijani B. Physician and Ethical Considerations. Tehran: Brayeh Farda Publishing; 1392. [in Persian]
- 3- Aksoy S, Elmai A. The core concepts of the 'four principles' of bioethics as found in Islamic tradition. *Med Law*. 2002; 21(2): 211-24.
- 4- Khodadost K, Hosini ST, Mohjal Shoja MA. Medical ethics and its importance in ancient Iran and Islam. *Medical Ethics and History of Medicine*. 2010; 3(5): 11-8. [in Persian]
- 5- Ghaffari F. A perspective of medical ethics and patients' rights according to Iranian and Islamic traditional medicine texts. *History of Medical Journal*. 2010; 2(4): 45-7. [in Persian]
- 6- Nasr S.H. Science and Civilization in Islam. Translated by A. Aram. Tehran: Elmi Farhangi Publishing Co; 1384. [in Persian]
- 7- Taavoni S. Investigation of some present issues related to medical ethics and some recommendation for improvement. *Iran Journal of Nursing*. 1999; 13(22): 5-8.
- 8- Razi M.Z. [Bayestehaye Akhlag-e Pezeshki az Negahe Razi]. Translated by Saket MH. Tehran: al-Ma'ī Publishing; 2011. p. 113. [in Persian]
- 9- Beig Bapapur Y. Adab al Tabibe Ruhawi. *The Quarterly Journal Ayeneh-ye- Pazhoohesh*. 2006; 17(101): 45-8. [in Persian]
- 10- Padela AI. Islamic medical ethics: A primer. *Bioethics*. 2007; 21(3): 169-78.
- 11- Ibn Abi Usaibia A. [Uyūn ul-Anbā' fī Abaqāt al-Aibbā]. Beirut: Dār Maktabat al-ayāh; 1965. [in Arabic]
- 12- Ibn al Adim U. [Bughyat al-Alab fī Tārīkh Alab]. Beirut: Dar al Fikr publishing; 1998. [in Arabic]
- 13- Al-Umarī A, Yahya A. [Masālik al-abār fī Mamālik al-Amār]. Abu Zaby: Cultural Complex press; 2002. [in Arabic]
- 14- Al-Ruhawi I. [Adab al-Tabib]. Corrected by Al-Samrai K, Salman AD. Baghdad: The House of Public Cultural Affairs; 1992. [in Arabic]
- 15- Fuat S. [Tarikh Negaresh-haye Arabi]. Vol 3. Translated by Arzandeh M. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Press; 1380. p. 69. [in Persian]
- 16- Jad M.K. [Adab al-Tabib Ruhawi]. <http://www.albayan.ae/sport/2005-10-26-1.111012> (accessed on: 2019)
- 17- Aksoy S. The religious tradition of Ishaq ibn Ali al-Ruhawi: The author of the first medical ethics book in Islamic medicine. *JISHIM*. 2004; 3: 9-11.
- 18- Sartell E, Padela AI. Adab and its significance for an Islamic medical ethics. *Journal of medical ethics*. 2015; 41(9): 756-61.
- 19- Al Ruhawi I. [Adab al-Tabib]. Translated by Poti M, Ali Mirzai M, Shariat Parsa F. Tehran: Traditional Iranian Medicine Publication, Tehran; 1390. [in Persian]
- 20- Molavi J. [Masnavi-ye Manavi]. Edited by Zarrinkob Ab. Tehran: Tehran Publication; 1389. p851. [in Persian]
- 21- Sadeghi S, Ghaffari F. [Physician's Professional Competence Exam in Adab al-Tabib]. *JITM*. 2017; 8(3): 389-97.
- 22- Mohaghegh M. [Collected Texts and Articles on the History and Medical Ethics in Islam and Iran]. Tehran: Soroush Publication; 1374. p.372. [in Persian]
- 23- Zikria BA. [Adab al-Tabib]. *Journal of the Islamic Medical Association of North America*. 1981; 13(3): 53-8.
- 24- Rosenthal F. Ar-Razi on the hidden illness. *Bulletin of the History of Medicine*. 1978; 52(1): 45-60.
- 25- Alal Sh. [The Contribution of Muslim Doctors in working Medicine]. *The International Congress of The History of medicine in Islam and Iran*. Vol 2. Iranian Institute for Science and Research expansion publication (Tehran); 1996.
- 26- Levey M. Fourteenth century Muslim medicine and the Hisba. *Medical History*. 1963; 7(2): 176-82.
- 27- Razi M. [Mehnat al-Tabib]. Translated by Jamshidnezhad Gh. Tehran: Hoghooghi Publishing; 1389. p. 132. [in Persian]
- 28- Tabibi H. Supervising the work of doctors and medical professions in the seventh century Ah. *The International Congress of The History of medicine in Islam and Iran*. Vol 2. Iranian Institute for Science and Research expansion

publication (Tehran); 1996. p. 731-2.

29- Metz A. Islamic Civilization in the 4th Century or (Islamic Renaissance). Vol I. Translated by Zakavati Gharageslu A. Tehran: Amir Kabir Publishing House; 1985. p. 66-7.

30- Farsam H. A Brief History of Iranian Pharmacology. The International Congress of The History of medicine in Islam and Iran Vol 2. Iranian Institute for Science and Research expansion publication (Tehran); 1996.

## Physicians Behavior from the Perspective of Al-Ruhawi in the Book “Adab-al-Tabib”

Sorayya Faraji<sup>1</sup>, Seyed Mohsen Seyedi<sup>2</sup>, Majid Khalili<sup>3</sup>, Mehran Seif-Farshad<sup>\*4</sup>

<sup>1</sup>Department of Medical history, Faculty of Traditional Medicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

<sup>2</sup>Assistant professor, Department of History of Islamic Nations and Civilization, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

<sup>3</sup>PhD in medical history, Rahat Breath and Sleep Research Center, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

<sup>4</sup>Assistant Professor, Department of Basic Sciences, Faculty of Paramedicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

### Abstract

Writing treatises and books on ethics and morality is one of the most important topics in medicine history. Teaching and learning medical knowledge and skills was a common one in the golden age of science in Islam, too. The scholars of that period considered the ethical points of view as an important fact in their medical profession. The present article reports the behavior and ethics of physicians based on the review on the first book in this field, "Adab al-Tabib". This book, which can be called the Encyclopedia of Medical Ethics, represents standpoints of the prominent Islamic scholar, Ishaq bin Ali Al-Ruhawi. In this paper, it was intended to summarize the main points of professional behavior and ethics among physicians. Due to the wide-ranging and comprehensive nature of the book, only a few pertinent topics were reviewed. Those topics include the necessity and concept of politeness; the behavior and commitment of physicians towards themselves, patients and society as well as the behavior of nurses, attendees and tips on how to train and examine medical and pharmacy students. Al-Ruhawi in this book, declares that the first necessity of medicine is the true faith and belief in God and the doctors are the guardians of the body and soul. Commitment to medical education, nurses and pharmacists' role in the management process, physicians' communication skills suggesting of learning other sciences such as philosophy and more important point, strong relationship of body and soul, are the strengths of Adab-al-Tabib that Ruhawi intended to improve quality of medical services by reviewing them.

**Keywords:** Physicians' behavior, Medical Professionalism, Ruhawi, Adab al-Tabib book

---

\* Corresponding Author: [seiffarshadm@tbzmed.ac.ir](mailto:seiffarshadm@tbzmed.ac.ir)